

## مبانی حمایت اجتماعی در اسلام

محمدحسین شیخی / دانشجوی دکتری مدیریت اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ shikhi.mh@gmail.com  
 مجتبی درودی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ doroudi@iki.ac.ir  
 سید علی حسینی تاش / استاد دانشگاه امام حسین ☞ d.tash59208@yahoo.com  
 علی رضاییان / استاد دانشگاه شهید بهشتی ☞ h.ali.rezaian@gmail.com  
 دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳

### چکیده

به منظور تبیین الگوی تحلیلی حمایت اجتماعی با رویکرد اسلامی، در گام نخست لازم است مبانی آن مطالعه و بررسی شود؛ زیرا الگوها و نظریه‌ها بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌ها شکل می‌گیرند. اسلام به‌عنوان یک دین کامل، که نگرشی جامع به انسان و نیازهای او دارد، دارای مبانی متمایزی از رفاه و حمایت اجتماعی است که می‌توان با استفاده از مضامین قرآنی و روایات معصومان ☞ آن را تبیین نمود. هدف اصلی تحقیق، تبیین مبانی حمایت اجتماعی با رویکرد اسلامی است. به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی که مبانی حمایت اجتماعی در اسلام چیست؟ متن قرآن کریم و روایات وارد شده از سوی معصومان ☞ با استفاده از روش «تحلیل مضمون» مطالعه و بررسی شد. در این روش، با استفاده از واژگان به‌کاررفته در قرآن کریم و روایات، مضامین مرتبط با حمایت اجتماعی گردآوری و تحلیل شد. بر اساس مضامین به‌دست آمده، مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مرتبط با رفاه و حمایت اجتماعی بررسی و تحلیل شد.

**کلیدواژه‌ها:** مبانی هستی‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی، مبانی ارزش‌شناسی، تأمین اجتماعی، حمایت اجتماعی

## مقدمه

ارائه تعریفی دقیق از «تأمین اجتماعی» دشوار است؛ زیرا در کشورهای گوناگون، این واژه با مسامحه مورد استفاده قرار می‌گیرد و معانی متفاوتی نیز دارد (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۲). تعاریف گوناگونی از «تأمین اجتماعی» ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود و سپس از میان تعاریف مطرح شده، تعریف مورد نظر انتخاب می‌شود. در مفهوم خاص، «تأمین اجتماعی» به معنای رفع نگرانی‌ها و عدم قطعیت‌ها نسبت به درآمد آینده است؛ به گونه‌ای که افراد دغدغهای برای زمان بازنشستگی یا بیکاری نداشته باشند و مطمئن باشند که درآمدشان تأمین می‌شود. بنابراین، در این مفهوم خاص «تأمین اجتماعی» اطمینان نسبت به آینده را محدود می‌کند به اطمینان نسبت به درآمد آینده؛ یعنی درآمد آینده‌تان تضمین است (حسینی، ۱۳۸۸). در مفهوم عام، «تأمین اجتماعی» به معنای رفع مطلق نگرانی‌ها و عدم قطعیت‌ها در خصوص زندگی آینده است، خواه این نگرانی‌ها نسبت به درآمد باشد یا نگرانی از رویدادهایی مانند سیل، زلزله، بیماری، بیکاری، و از کارافتادگی. بنابراین، «تأمین اجتماعی» در مفهوم عام، به معنای امنیت خاطر نسبت به مطلق نگرانی‌هاست و اطمینان خاطر نسبت به همه انواع نگرانی‌ها را دربر می‌گیرد. «تأمین اجتماعی» در اینجا یعنی: فرد نسبت به هرگونه حادثه و اتفاقی که ممکن است او را تهدید کند، نگران نباشد. برای مثال، فرد اطمینان خاطر داشته باشد که اگر گرفتار بیماری، آتش‌سوزی، سیل یا زلزله شد، تأمین می‌شود.

«تأمین اجتماعی» برنامه‌ای رفاهی است که به منظور کاهش مخاطرات در زندگی اقتصادی و نیز حفظ و حمایت افراد به وجود آمده است. تأمین اجتماعی با پرداخت پول و ارائه خدمات و امدادهای اجتماعی، مردم را در برابر کاهش یا قطع درآمد حاصل از بیکاری، پیری، بیماری، از کارافتادگی و مرگ در جهت تأمین معاش افراد خانواده و بازماندگان حمایت می‌کند. «تأمین اجتماعی» در یک معنا، شامل دو بخش بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۲).

در کشور ما نیز نظام تأمین اجتماعی بر دو پایه نظام «بیمه‌ای» و «غیربیمه‌ای» (حمایتی) قرار گرفته است. نظام بیمه‌ای به منظور پیش‌گیری از فقر ناشی از عوامل غیرقابل کنترل (بیکاری، پیری، مرگ نان‌آور خانه و یا از کارافتادگی) طرح‌ریزی گردیده و از مشارکت دولت، کارفرما و بیمه‌گر تشکیل می‌شود و به‌طور کلی، هدف عمده‌اش حمایت از اشتغال، رفع موانع تولید و تأمین رفاه افراد شاغل و خانواده‌ایشان می‌باشد. نظام حمایتی در مقابل نظام بیمه‌ای قرار دارد و هنگامی مطرح می‌شود که فرد حمایت‌شونده قدرت مشارکت مالی در نظام بیمه‌ای تأمین اجتماعی را نداشته باشد. چنین فردی یا دچار انواع معلولیت‌های جسمی، ذهنی و روانی است، به گونه‌ای که درآمدی که حاصل می‌کند از حد نیاز او پایین‌تر است، و یا شغلی ندارد که کسب درآمد کند و این امکان برایش نیست که در پرداخت هزینه‌های نظام بیمه‌ای مشارکت کند (عصمتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳). این نظام عمدتاً به اعتبارات دولتی (بودجه عمومی) وابسته است و دایره وسعت آن شامل اقشار آسیب‌پذیر جامعه (به سبب ناتوانی در کسب درآمد)،

معلولان و از کارافتادگان جسمی و ذهنی، کودکان بی سرپرست، خانواده‌زندانان و مانند آنها می‌گردد (مؤسسه فرهنگی و هنری آتیه، ۱۳۹۴، ص ۲۰-۲۲).

نظام حمایتی بر اساس اصولی طراحی شده است که در آن هر یک از افراد جامعه، اعم از شاغل یا غیرشاغل، در زمان بروز وقایع پیش‌بینی‌شده در قانون، استحقاق دریافت کمک‌های مالی را از محل اعتبارات عمومی دولت دارد. این روش برای نخستین بار در کشورهای اسکاندیناوی به اجرا درآمد و نخستین گروه تحت پوشش آن سالمندان بودند. به ترتیب، حمایت‌هایی نظیر درمان بیماری، از کارافتادگی، و فوت نیز تحت پوشش این نظام قرار گرفت. هدف از اجرای این نظام، جایگزین ساختن آن به‌جای روش تحقیرآمیز دستگیری از فقرا بود. مضمولان دریافت مساعدت‌های اجتماعی، غالباً از گروه افراد بی‌سرپرست و کسانی که نان‌آور خود را از دست داده‌اند و قادر به تأمین معاش خود نیستند، تشکیل می‌شود. علاوه بر این کسانی که بنا بر شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه، فاقد اشتغال هستند و نمی‌توانند معیشت خود و خانواده را اداره کنند، یا اگر شاغل باشند درآمد آنها کفاف هزینه‌های معیشتی آنان را نمی‌دهد و با کمبودهای درآمدی روبه‌رو هستند، از این طرح استفاده می‌کنند. میزان مزایا به‌گونه‌ای محاسبه می‌شود که فرد متقاضی بتواند سطح مناسب زندگی خود و خانواده تحت پوشش خود را، که نباید الزاماً در سطح معیارهای قبلی زندگی وی باشد، تأمین کند (بادینی و عصمتی، ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه مفهوم «حمایت اجتماعی» به آنچه اسلام در زمینه رسیدگی به افراد نیازمند و آسیب‌پذیر جامعه توصیه می‌کند، نزدیک‌تر است، این مفهوم پایه و اساس انجام این تحقیق قرار گرفت. شباهت این مفهوم به آموزه‌های اسلامی از دو جهت است:

نخست اینکه افراد مشمول حمایت ملزم به پرداخت سهم بیمه نیستند، بر خلاف بیمه‌های اجتماعی که افراد باید سهم بیمه خود را پرداخت کنند تا در دوره بازنشستگی یا بروز مشکل، بتوانند از خدمات بهره‌مند شوند. دوم اینکه ارائه خدمات، افراد شاغل و غیرشاغل را دربر می‌گیرد، درحالی که بیمه‌های اجتماعی تنها شامل افراد شاغل می‌شود.

از آن‌رو که حمایت اجتماعی با زیرساخت‌های اعتقادی و ارزشی پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد، روشن است که با الگوهای رایج حمایت اجتماعی در دنیای معاصر، که بر اساس فلسفه‌های مادی شکل گرفته است، نمی‌توان الگویی اسلامی استخراج کرد که تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد. بنابراین، لازم است پیش از اقدام به سیاست‌گذاری و الگوسازی در زمینه حمایت اجتماعی، ابتدا پیش‌فرض‌ها و مبانی آن به خوبی تبیین شود. اهمیت این موضوع از آن نظر مضاعف می‌شود که امروز شاهدیم که بیشتر الگوهای رایج حمایت اجتماعی با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند و چالش‌ها و مسائل زیادی را برای دولت‌های متبوع خود به همراه داشته‌اند. در کشور ما نیز از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تلاش‌های زیادی در جهت توسعه حمایت اجتماعی انجام گرفته و نهادهای متعددی نیز در این زمینه به وجود آمده است. ولی با گذشت چندین دهه از انقلاب اسلامی، هنوز

مشکلات فراوانی در ارائه خدمات فراگیر به افراد نیازمند وجود دارد. وجود این مسائل و یافتن راه‌هایی برای برون‌رفت از آنها، ضرورت مطالعه مبانی حمایت اجتماعی در اسلام را دو چندان می‌سازد. تحقیق حاضر با روش «تحلیل مضمون»، به دنبال تبیین مبانی حمایت اجتماعی در اسلام است.

## مبانی

در هر علم، با پیش فرض‌هایی روبه‌رو هستیم که یا بدیهی‌اند یا در علمی دیگر به اثبات می‌رسند و بدون پذیرش آن، هیچ گزاره‌ای در هیچ دانشی به اثبات نخواهد رسید. به این پیش فرض‌ها «مبانی» می‌گویند: با تکیه بر آنها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه حمایت اجتماعی تعیین و تبیین می‌شود و در مسائل جدید، که حکم آنها به طور مستقیم از ادله قابل استنباط نیست، این مبانی راهنمای وضع قوانین جدید است. مبانی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری الگوها و نظریه‌ها دارند. به‌منظور تبیین الگوی حمایت اجتماعی در اسلام، لازم است نخست مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلام، که ناظر بر بحث حمایت اجتماعی است، مطالعه و بررسی شود. این مبانی در چند محور به شرح ذیل تبیین می‌شود:

### ۱. هستی‌شناسی

الف. آفریننده جهان هستی: در جهان‌بینی اسلامی، خداوند خالق همه چیز است: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام: ۱۰۲)؛ این خداست پروردگار شما جز او معبودی نیست؛ آفریننده همه چیز است. پس تنها او را پرستید و او کارساز هر چیز است. ب. صاحب اختیار موجودات: خداوند تنها آفریننده جهان نیست، بلکه او صاحب اختیار همه موجودات است: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أُنْبِيَ إِلَهُهُ رَبُّكُمْ وَإِلَىٰ هُوَ الْمَصِيرُ» (انعام: ۱۶۴)؛ بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم، درحالی‌که او پروردگار هر چیزی است؟! ج. فعالیت و تصرف پیوسته در جهان و مراقبت از آن: خداوند پیوسته در جهان فعالیت و تصرف می‌کند و مراقب آن است.

«فَأَنْظِرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكُمْ لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (روم: ۵۰)؛ پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی‌اش زنده می‌کند. بی‌تردید، این [خدای قدرتمند] زنده‌کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست.

«إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (هود: ۵۷)؛ قطعاً پروردگارم بر همه چیز نگهبان است.

د. ولی و سرپرست همه انسان‌ها: همچنین روابط خاصی بین خداوند و انسان‌ها وجود دارد که بخشی از جهان هستی را تشکیل می‌دهند. براین اساس، خداوند ولی و سرپرست همه انسان‌هاست: «إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (توبه: ۱۱۶)؛ به یقین خداست که مالکیت و

فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین در سیطرهٔ اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و شما را هیچ سرپرست و یاری جز خدا نیست.

و. تأثیر علل و اسباب مادی و معنوی در روزی: در اسلام، اسباب روزی تنها محدود به علل مادی نمی‌شود، بلکه عوامل معنوی نیز به اندازهٔ علل مادی، حتی بیش از آن در روزی انسان‌ها نقش دارد. برای نمونه، دعا و صدقه و اطاعت خداوند از عوامل مؤثر در افزایش روزی است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۸۹). همچنین حاکمیت تقوا در جامعه سبب نزول برکات الهی و باز شدن درهای رحمت خداوند شمرده شده است (همان، ص ۹۵). «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۲-۳)؛ و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد، و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد؛ و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند. به یقین، برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

در جهان‌بینی اسلامی، اعتقاد به دو عالم لازم است: یک. عالم مجردات؛ دوم. عالم مادیات. تدبیر امور عالم مادی توسط عالم مجردات انجام می‌شود. عالم مجردات در فعل و انفعالات و تحقق پدیده‌های این جهان تأثیر زیادی دارد. از این‌رو، برای از بین بردن فقر و حرکت به سوی جامعهٔ دارای رفاه، تنها عوامل مادی نقش ایفا نمی‌کنند، بلکه عوامل مجرد هم در کار هستند. نتیجه اینکه در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به حمایت اجتماعی، باید عوامل مجرد را نیز در نظر بگیریم.

ز. حاکمیت خداوند در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری امور رفاهی: در بینش اسلامی، کل هستی، از جمله انسان، مخلوق خدای متعال و ملک تکوینی و حقیقی اوست و خداوند مالک حقیقی همهٔ موجودات به شمار می‌رود. رب تکوینی و تشریحی نیز هموست. در نتیجه، هرگونه تصرفی در جهان هستی، باید با اجازهٔ او باشد. بنابراین، انسان نمی‌تواند در چیزهای دیگر و از جمله انسان‌های دیگر، هرگونه بخواهد تصرف کند. بر این اساس، انسان حق ندارد در زندگی دست به اعتبارهایی بزند که با مالکیت حقیقی خدای متعال تنافی داشته باشد. هر اعتباری دارای آثار و نتایج فراوان در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست، و اعتبارها نباید چنان باشند که آثار و نتایج حقیقی و تکوینی‌شان با مالکیت و ربوبیت خدای متعال منافی باشد.

به بیان روشن‌تر، هیچ‌کس حق اعتبار و انشا و امر و نهی ندارد. حتی اجماع همهٔ افراد یک جامعه یا همهٔ انسان‌های روی زمین، قانون‌آفرین نیست و فقط کسی حق فرمان دادن به انسان را دارد که مالک حقیقی او و همهٔ جهان باشد؛ یعنی همان رب تکوینی انسان که می‌تواند و باید رب تشریحی و قانون‌گذار او باشد. از دیدگاه اسلام، نظام اعتقادی از نظام ارزشی و قانونی جدا نیست، بلکه این دو با یکدیگر ارتباط نزدیک و مستقیم دارند و نظام اعتقادی منشأ نظام ارزشی است. بنابراین، چون احکام و مقررات - خواه فردی و خواه اجتماعی - باید، هم با مصالح این‌جهانی

و هم با مصالح اخروی و ابدی سازگار باشد و عقل بشر از کشف وجود و عدم این دو سازگاری ناتوان است، پس بشر نمی‌تواند قانون وضع کند. تنها خدای متعال است که همه مصالح دنیوی و اخروی و ابدی انسان‌ها را می‌داند و نزدیک‌ترین و بهترین راه‌های تحصیل آن مصالح را می‌شناسد و نیز تحت تأثیر هواهای نفسانی و اغراض شخصی واقع نمی‌شود و خالق جهان هستی و مالک و صاحب اختیار حقیقی آن است. پس تنها اوست که می‌تواند قانون جعل کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۹۶-۹۷).

در نمودار ذیل مباحث اصلی مطرح در جهان‌بینی اسلامی، که مرتبط با رفاه و حمایت اجتماعی است، ترسیم

شده است:



نمودار ۱. عناصر اصلی مبانی هستی‌شناسی اسلام مرتبط با رفاه و حمایت اجتماعی

## ۲. انسان‌شناسی

الف. دو ساحتی: انسان از نظر اسلام، دارای دو ساحت جسمی و روحی است و انسانیت او به جنبه روحی او بستگی دارد، نه به ساحت جسمی. هر یک از این دو بعد نیازهایی دارد که باید به خوبی تأمین شود تا انسان به کمال و رشد، که هدف آفرینش وی بوده است، دست یابد. بنابراین، در سیاست‌گذاری حمایت اجتماعی دنبال این نیستیم که انسان‌ها فقط رفاه مادی داشته باشند، بلکه باید رشد معنوی او را به‌عنوان هدف اصلی مطرح‌نظر قرار داد. بنابراین، حمایت اجتماعی در اسلام، دارای دو بعد مادی و معنوی است و هدف اصلی نیز تأمین بعد معنوی انسان است. از این‌رو، می‌توان گفت: تأمین مادی هدف نهایی الگوی حمایت اجتماعی نیست، بلکه مقدمه برای دستیابی به

آن است، و آنچه هدف نهایی این الگوست همان تأمین بعد معنوی انسان است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ [بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

بر اساس این کلام الهی، یاد خداوند انسان را به آرامش می‌رساند. این در حالی است که این آسایش روحی و روانی با امکانات مادی میسر نمی‌شود. هدف از بعثت انبیای الهی نیز ترویج اخلاق نیک و مبارزه با رفتارهای ناپسند اخلاقی و به تعبیر دیگر، امر به معروف و نهی از منکر بوده است، تا امنیت فکری و روحی جامعه تضمین شود؛ زیرا با وجود محیط تهی از ارزش‌های اخلاقی، امنیت و سعادت واقعی برای افراد تأمین نخواهد شد. بنابراین، اسلام همان‌گونه که برای تأمین مادی جامعه سیاست‌های متعددی دارد، تأمین روحی و معنوی افراد جامعه را در اولویت سیاست‌های خود قرار می‌دهد، بلکه حتی عوامل معنوی مانند تقوا و پرهیزگاری را در تأمین مؤثر می‌داند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری پیشه می‌کردند، به یقین، [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم.

ب. کرامت انسانی: انسان موجودی اجتماعی است و وقتی می‌تواند به رشد و تکامل خویش ادامه دهد که بتواند از مواهب الهی، اعم از مادی، معنوی، فردی و اجتماعی بهره‌مند باشد. بنابراین، برای ایجاد زمینه مناسب به‌منظور تکامل انسان، باید احترام اجتماعی انسان، که نیاز طبیعی و فطری اوست، حفظ گردد و مورد اهانت و تحقیر واقع نگردد. انسانی که هتک حرمت شود و توهین و تحقیر بر او روا داشته شود احساس شخصیت نخواهد کرد و از نظر روانی، دچار اضطراب، تزلزل و یأس خواهد شد. پس اولاً، حفظ حرمت و شخصیت انسان لازم است. ثانیاً نسبت به همه انسان‌ها باید این امکان فراهم گردد که بتوانند از امکانات و نعمت‌های موجود برای نیل به تعالی و کمال مطلوب بهره بگیرند. کرامت انسان امری تکوینی و طبیعی یا جبری نیست، بلکه انسان با رفتار اختیاری خویش، زمینه تحویل این کرامت را فراهم می‌سازد. ملاک این کرامت، تن دادن به نظام اسلامی است و تمام کسانی که نظام اسلامی را می‌پذیرند، دارای حقوق اجتماعی یکسان هستند. برای مثال، دادگاه موظف است نسبت به اشخاصی که دارای تابعیت جمهوری اسلامی هستند، یکسان برخورد کند. بنابراین، شرط عمده برای اثبات حق کرامت، پذیرش نظام اسلامی و احترام به قوانین آن است. با پذیرش عضویت در چنین جامعه‌ای، تمام حقوق شامل فرد می‌گردد. حق کرامت همانند حق حیات، از حقوق اساسی بشر است که به دنبال آن، حقوق فرعی دیگر، مانند حق رأی، حق معامله، حق مالکیت، حق کارگر و حق کارفرما نیز ثابت می‌گردد. چنانچه شخص با اختیار خود از تابعیت این نظام خارج گردد، یا در صدد براندازی باشد، تمام حقوق او، اعم از حق کرامت یا حقوق فرعی دیگر ساقط می‌گردد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴-۳۰۱).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَهْبِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَ

فَصَلَّنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ ما آدمی زادگان را گرمای داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

خداوند متعال به انسان کرامت ارزانی داشته و او را مکرم گردانیده است. این کرامت مخصوص یک تن یا یک گروه نیست، بلکه همه فرزندان آدم ﷺ و حوا را شامل می‌شود و مقتضای آن، این است که همه مردمان، از موهبت‌های آفریده خدا، برای این موجود مکرم در نزد او (چنانکه در حدیث مفضل، از امام صادق ﷺ روایت شده است)، بهره‌مند باشند. منشأ این تکریم و گرمی داشت همان انسانیت آدمی است و اینکه انسان‌ها فرزند حضرت آدم ﷺ هستند. این خصوصیت در همه یکسان است. این حالت همان است. که نمونه عالی و فراگیر آن در عصر حکومت راستین قرآنی تجسم پیدا خواهد کرد؛ زیرا در آن عصر، استضعاف عملاً از میان می‌رود و مستضعفان واقعاً پیشوایان و فرمان‌روایان خواهند بود. روشن است که استکبار و استضعاف اقتصادی از بزرگ‌ترین علت‌های نابودی و سلب کرامت انسانی هستند و تا این دو پدیده شوم بر اجتماع سیطره داشته باشند، کرامت انسانی محفوظ نخواهد ماند (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۲۶-۲۲۷). از این رو، کرامت انسان ایجاد می‌کند که تمام نیازهای او مانند خوراک، لباس مناسب، مسکن، بهداشت و درمان به گونه‌ای که مناسب شأن وی است، تأمین گردد.

ج. تساوی انسان‌ها در آفرینش: تساوی در آفرینش انسان‌ها از حضرت آدم ﷺ و خاک، یک اصل اساسی و بدیهی در قرآن است: یا «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به اقوام و تیره‌های گوناگونی تقسیم کردیم تا به وسیله آن، همدیگر را بشناسید (نه آنکه به آن افتخار کنید). گرمی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، پرهیزگارترین شماست. همانا خدا دانا و آگاه است. موضوع «تساوی انسان‌ها» و محکومیت هر نوع تبعیضات نژادی و قایلی و طبقاتی و اینکه فرزندان آدم از نظر حقوق انسانی برابرند و هیچ کس، به واسطه رنگ، اندام، رخسار، زبان، نسب و نژاد بر دیگری برتری ندارد، از مسائل مهم اجتماعی قرآن است که در آیات زیادی آن را مطرح ساخته و از این راه، به هر نوع برتری طلبی، نژادپرستی، افتخار به زبان، و رنگ چهره، قلم بطلان کشیده و به یکی از بغرنج‌ترین مسائل اجتماعی امروز، که حتی در مراکز مهم صنعتی جهان (مانند آمریکا) به صورت معمایی لاینحل درآمده، پایان داده است.

قرآن این مسئله را با منطقی آسان بیان می‌کند و با ارائه نحوه پیدایش افراد انسان، محکومیت برتری‌های موهوم نژاد و رنگ را مبرهن می‌سازد. با اینکه خدا از آغاز این سوره تا آیه مزبور، خطابات پنج‌گانه خود را به صورت (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) آورده است، ولی در این آیه، دایره خطاب را وسیع‌تر گرفته و به جای خطاب به افراد با ایمان، به همه مردم-اعم از مسلمان و کافر- خطاب کرده، می‌فرماید: ای مردم! اگر پرونده هستی تمام انسان‌ها را ورق بزنید، خواهید دید که مبدأ پیدایش همه مردم یکی است، و همه از یک مرد و زن (آدم و حوا) به وجود آمده‌اند، و



تمام نسب‌های آنان به یک مبدأ منتهی می‌گردد. در این صورت، دیگر برای برتری صنفی بر صنف دیگر ملاکی وجود ندارد. اگر شما را به صورت قبایل مختلفی درآورده‌ایم، نه برای آن است که با انتساب به این قبایل، افتخار بورزید، بلکه برای آن است که به وسیله انتساب به قبایل گوناگون، به همدیگر معرفی شوید و یکدیگر را بشناسید (لتعارفوا) و رمز این انشعاب همین است، و هرگز پیوند به تیره‌ای خاص، ملاک برتری نیست. قرآن برای محکوم کردن افسانه تبعیضات نژادی و موهوم شمردن «قومیت» و «ناسیونالیسم» منفی، و خاموش ساختن هرگونه شعارهای جاهلی، در سوره‌های گوناگون، (نساء: ۱؛ انعام: ۹۸؛ زمر: ۶) بر این نکته که ما شما را از یک ریشه آفریده‌ایم، تکیه کرده، می‌فرماید: «اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱)؛ از (مخالفت) با خدایی که همه شما را از یک تن آفریده پیرهیزید (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵-۱۴۷).

پیامبر گرامی ﷺ نیز می‌فرماید: «ای مردم، شما از آدم هستید و آدم از گل آفریده شده است. آگاه باشید که امروز بهترین و گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین و فرمان‌برترین (از دستورات الهی) است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۹۳).

بنابراین، همه افراد بشر حق دارند از امکانات معیشتی و رفاهی برخوردار شوند و همگی مسئول تأمین آن هستند (آرمان مهر، ۱۳۹۳).

د. بندگی خدا: در اسلام، ایجاد امنیت و آرامش خاطر پیش شرط لازم برای بندگی و عبادت خدا دانسته شده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۳-۴)؛ پس باید پروردگار این خانه را بپرستند؛ پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد، و از بیمی [که از دشمن داشتند] ایمنی‌شان بخشید.

همچنین می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّخِلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند؛ همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را، که برای آنان پسندیده، به سودشان استوار و محکم سازد، و به یقین، ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند.

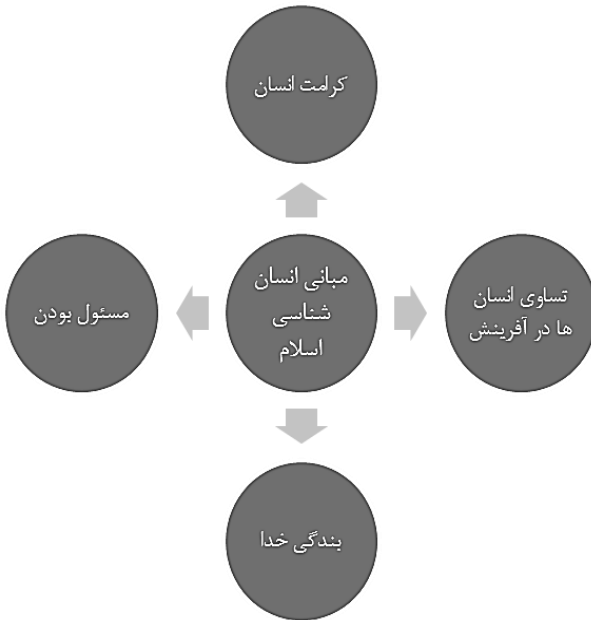
ه. مسئول بودن: در اسلام، انسان در برابر نعمتهایی که به او عنایت شده، اعم از مال و ثروت و موقعیت‌های اجتماعی که نصیب وی گردیده است مسئولیت دارد. یکی از مسئولیت‌های وی حمایت از نیازمندان به اندازه وسیع است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: ۸)؛ سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که دشته‌اید بازپرسی خواهید شد.

«وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ آنها را نگه دارید که باید بازپرسی شوند.

در برخی آیات، حقی برای نیازمندان در اموال ثروتمندان جامعه قرار داده شده است و آنها در این باره مسئول دانسته شده‌اند: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات: ۱۹)؛ و در اموالشان حقی برای سائل تهی‌دست و محروم از معیشت است.

عناصر اصلی مبانی انسان‌شناسی اسلام (مرتبط با مقوله رفاه و حمایت اجتماعی) در نمودار زیر ترسیم شده است:



نمودار ۲. عناصر اصلی مبانی انسان‌شناسی اسلام مرتبط با رفاه و حمایت اجتماعی

### ۳. مبانی ارزشی

در اسلام، پای‌بندی افراد جامعه به اخلاق و تقوای پیشگی و دوری از گناهان و بداخلاقی‌ها، علاوه بر اینکه آرامش درونی برای انسان به دنبال دارد، انسان را از فقر و نداری نجات می‌دهد و موجب نزول رحمت و نعمت‌های الهی بر فرد و جامعه می‌شود (اعراف: ۹۶).

مکتب لیبرالیسم و اسلام در برابر این پرسش که راهبردهای رفع فقر در جامعه چیست، پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. مکتب لیبرالیسم با توجه به علل مادی و با حفظ اصالت فرد، که یکی از نتایج آن عدم دخالت دولت در اقتصاد است، راهبردهای پیشرفت به سمت وضعیت مطلوبی را که خود ترسیم کرده است، ارائه می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، افزایش نرخ رشد تولید در جامعه به‌عنوان راهبرد رفع فقر معرفی می‌شود، با این توجیه که سازوکارهای

سر ریز شدن منافع رشد به طبقات پایین تر جامعه، خود به خود موجب رفع فقر می‌گردد. ولی بر اساس بینش اسلامی، مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان راهبرد رفع فقر معرفی می‌گردد که از وحی و عقل و تجربه گرفته شده‌اند. برای نمونه، بر اساس آیات و روایات، یکی از راهبردهای اساسی برای رفع فقر و حرکت به سمت نقطه مطلوب (پیشرفت) حاکمیت، تقوای الهی و بارور کردن ایمان و باور به آموزه‌های اسلامی در جامعه است. قرآن کریم به این راهبرد در سطح زندگی فردی و اجتماعی تصریح نموده است، آنجا که می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۲-۳)؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، امرش را کفایت می‌کند. خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

درباره جامعه نیز می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲)؛ خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزی‌اش از هر جا می‌رسید، اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس بر اندامشان پوشانید!

به‌طور کلی، می‌توان به دو دسته از عوامل فقر اشاره کرد: نخست، عوامل معنوی و اخلاقی؛ دوم، علل و عوامل مادی؛ با این توضیح که فقر در برخی شرایط، به خاطر گناه و دوری از یاد خدا به وجود می‌آید که در این صورت، باید با انجام کار فرهنگی و ترویج اخلاق و فرهنگ اسلامی درصدد ریشه‌کنی آن برآمد. در شرایط دیگر، که جامعه اسلامی است و مردم پایبند به اصول و موازین شرعی هستند، برای ریشه‌کنی فقر، باید راهبردهای مالی را دنبال کرد (میرمعزی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹).

برخی از مبانی ارزشی اسلام، که ناظر بر بحث رفاه و حمایت اجتماعی است عبارت است از: برادری اسلامی، عدالت، نیکوکاری و احسان، تعاون و همیاری. در این قسمت، به توضیح هر یک می‌پردازیم:

الف. برادری اسلامی: برادری ایمانی مبتنی بر رحمت و مهربانی نسبت به برادران دینی و حمایت از افراد نیازمند جامعه، محور اصلی همبستگی جامعه اسلامی است. هر چه پیوند اجتماعی و همبستگی اجتماعی میان اعضای یک جامعه بیشتر باشد جامعه از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود. در اسلام، این همبستگی بر اساس اسلام و ایمان به خدا و روز قیامت شکل می‌گیرد که از آن به «برادری ایمانی» یاد می‌شود. در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند.

پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید. باشد که مشمول رحمت او شوید.

اسلام با طرح موضوع «برادری» میان مسلمانان، حقوق و تکالیفی را برای هر یک از آنان وضع نموده است. یکی از تکالیف این است که مسلمانان باید بر اساس اصل «برادری اسلامی»، به هنگام نیاز سایر برادران خویش، به کمک آنان بشتابند و از آنها حمایت کنند.

امام باقر علیه السلام همبستگی جامعه اسلامی را این‌گونه بیان می‌دارند: «مؤمنان در نیکی کردن و ترحم آوردن و مهربان بودن به یکدیگر، در حکم تن واحدند، که تا عضوی از آن به درد آید، عضوهای دیگر با بیدار ماندن و گرفتار تب شدن، با آن همنوایی می‌کنند» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳-۱۷۴، به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳۴).

برادری ایمانی حقوق و تکالیفی را ایجاب می‌کند که اسلام از پیروان خود خواسته است این حقوق و وظایف را ادا کنند. از جمله این حقوق و وظایف عبارت است از: برآوردن حاجات آنها، رفع نگرانی‌هایشان، تغذیه آنان، فراهم آوردن پوشاک آنها و رفع مشکلات مالی آنان.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آن کس که سیر بخورد و برادرش گرسنه باشد به خدا ایمان ندارد. نیز آن کس که خود بیوشد و برادرش برهنه باشد به خدا ایمان ندارد (همان). همچنین رسول گرامی صلی الله علیه و آله به روایت امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس برادر برهنه خود را بیوشاند خداوند سندس بهشتی بر او خواهد پوشاند ... و تا زمانی که نخ‌ای از آن جامه بر تن پوشنده باقی باشد، بخشنده در رضوان خداوندی غرق خواهد بود. آن کس که برادر گرسنه خویش را خوراک دهد، خدا از خوراکی‌های پاکیزه بهشتی به او خواهد خوراند. و آن کس که تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند او را از رحیق مختوم بهشتی خواهد نوشانید تا سیراب گردد ... و هر کس برادر مؤمن خویش را بر مرکب خود سوار کند، خدا او را بر شتری (و مرکبی) از شترها (و مرکب‌ها)ی بهشتی سوار خواهد کرد ... و آن کس که برای برادر دینی خویش زن بگیرد و او را از تنهایی نجات بخشد ... خداوند حوران بهشتی را به همسری او درخواهد آورد (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ص ۹۲).

از این تعلیم نبوی چنین بر می‌آید که برادری دینی - چنان که گفته شد - تنها با حرف درست نمی‌شود، بلکه در پی مسائلی همچون پوشاندن و خوراک دادن و بر مرکب سوار کردن و اسباب ازدواج فراهم آوردن و نظایر اینها تحقق می‌یابد. این است آن برادری اسلامی که پیامبر بزرگوار ما نشانه‌های آن را ترسیم کرده‌اند (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین برادران کسی است که تو را در خیر (مال) خویش شریک کند، و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران بی‌نیاز سازد» (همان، ص ۵۷، به نقل از: لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹).

در سیره مدیریتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این اصل مهم برای حمایت اجتماعی استفاده شده است. آن حضرت در سال اول هجرت، پیمان برادری (عقد اخوت) را بین مهاجران و انصار برقرار ساختند. این پیمان وحدت و همدلی میان مسلمانان را تقویت نمود؛ زیرا بر اساس این پیمان، انصار باید از برادران مهاجر خود حمایت و پشتیبانی می‌کرد (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۹۸).

ب. عدالت اجتماعی: از چپستی و ابعاد «عدالت اجتماعی» تعاریف گوناگونی شده است. «عدالت» به معانی ذیل آمده است: تساوی، برای هر کس به اندازه نیازش، برای هر کس به اندازه استحقاقش، حداکثر کردن مطلوبیت و شادی تک تک افراد جامعه، حداکثر کردن ثروت کل جامعه، توازن اجتماعی، اعطای حقوق، عدالت. رفتار منصفانه با مردم و دوری از ظلم موجب رفاه و آسایش مادی و روانی جامعه می شود. جامعه ای که احساس می کند نیازهایش تأمین شده است، با اشتیاق هر چه بیشتر کار می کند و ضمن پرداخت مالیات به دولت، در آبادانی و سازندگی کشور نیز نقش فعال ایفا می نماید. برپایی عدالت عامل همبستگی اجتماعی میان شهروندان و رضایت عامه مردم و همکاری آنها با رهبرشان خواهد شد. در نتیجه، شاهد رشد و پیشرفت کشور و ارتقای سطح رفاه و بهزیستی جامعه خواهیم بود. امام علی علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «آنچه بیشتر، دیده و الیان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و میان رعیت دوستی پدیدار شدن است و دوستی آنان آشکار نگردد، جز با سلامت سینه هایشان، و نصیحت شان راست نیاید آنگاه که بر والیان آگاه باشند، و دوام حکومت آنان را سنگین شمارند، و گفت و گو از دیر ماندن آنان را بر سر کار، واگذارند. پس عرصه امیدهای شان را فراخ دار، و ستودنشان را به نیکی پیوسته دار، و رنج کسانی را که کوشش کرده اند بر زبان آر؛ که کار نیکوی آنان را فراوان یاد کردن، دلبر را برانگیزد و ترسان بددل را به کوشش مایل گرداند، ان شاء الله. نیز مقدار رنج هر یک را در نظر دار، و رنج یکی را به حساب دیگری مگذار، و در پاداش او به اندازه رنجی که دیده و زحمتی که کشیده است، کوتاهی مکن» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۴-۴۳۴).

با اجرای عدالت و دادن حق هر صاحب حقی و اعطای نتیجه تلاش هر کس به خود او، کارها سامان می پذیرد و رضایت شهروندان از دولت حاصل می شود و توده های مردم را بر ادامه عهد و پیمان با حکومت و مشارکت در سازندگی و آباد کردن کشور امیدوار می سازد.

اسلام هدف اصلی دین را برپایی عدالت اجتماعی بر شمرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵)؛ قطعاً ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو (ی) تشخیص حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن راه، که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوریم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می دهند. به یقین خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است.

قرآن کریم همچنین در این زمینه تصریح می نماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰)؛ به راستی، خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستمگری نهی می کند. شما را اندرز می دهد تا متذکر (این حقیقت) شوید (که فرمان های الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست).

ج. نیکوکاری و احسان: دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به آنها یکی از باورهای است که اسلام به آن

سفارش‌های زیادی کرده است، و اگر این حقیقت به خوبی در روح و روان افراد جامعه رسوخ کند، بسیاری از مشکلات جامعه به راحتی و بدون نیاز به تشکیلات و نهادهای رسمی به خودی خود و توسط نیکوکاران جامعه برطرف می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: خداوند به حضرت داود علیه السلام چنین وحی کرد: بنده‌ای از بندگانش در روز قیامت کار نیکی می‌آورد پس او را در بهشت حاکم می‌سازم. داود پرسید: آن کار نیک چیست؟ خدای متعال فرمود: اندوهی از مؤمنی می‌زداید، اگرچه با دانه‌ای خرما یا نیمی از آن باشد. داود گفت: شایسته است کسی که تو را بشناسد امیدش را از تو نبرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۲۴).

احسان نیز نوعی نیکوکاری است که در قرآن به آن سفارش شده است. «احسان» یک معنای عام دارد؛ بدین معنا که هم شامل جنبه مالی می‌شود؛ مثل اینکه کسی برای کار خیری کمک مالی کند. برای نمونه، کمک مالی برای ساختن مدرسه و بیمارستان همچنین شامل کمک غیرمالی می‌شود؛ مانند اینکه کسی به دیگران حرفه و صنعتی بیاموزد یا اختلاف دو تن را حل کند. علاوه بر این، احسان از این نظر که شامل فقرا و غیرفقرا نیز می‌شود، عام است؛ یعنی اگر گروهی از فقرا را اطعام کنیم احسان است. همچنین اگر گروهی از ثروتمندان را اطعام کنیم باز عنوان «احسان» بر آن صدق می‌کند. اما آنچه اسلام به آن توجه کرده و آن را ستایش و تمجید نموده احسان به نیازمندان و محرومان است:

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره: ۸۲)؛ (یاد کنید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش‌زبانی سخن بگویید، و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید. سپس همه شما جز اندکی (از پیمان خدا) روی گردانیدید، و شما (بر طبق عادت) روی گردان هستید.

در این آیه، خداوند موادی از پیمانی را که با بنی اسرائیل بسته یادآور شده است. بیشتر این مواد- یا همه آنها- از اموری است که باید آن را جزو اصول و قوانین ثابت ادیان الهی دانست؛ زیرا در همه ادیان آسمانی، این پیمان‌ها و دستورها به نحوی وجود دارد. در این آیات، قرآن مجید یهود را به شدت سرزنش می‌کند که چرا این پیمان‌ها را شکستند؟ و آنها را در برابر این نقض پیمان، به رسوایی در این جهان و کيفر شديد در آن جهان تهدید می‌کند!

در این پیمان، به نکات ذیل اشاره شده است:

۱. توحید و پرستش خداوند یگانه؛ چنانکه نخستین آیه می‌فرماید: به یاد آورید زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز الله (خداوند یگانه) را پرستش نکنید (و در برابر هیچ بتی سر تعظیم فرود نیاورید)؛ «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ».
۲. و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید؛ «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا».

۳. نسبت به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان به نیکی رفتار کنید «وُذَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ».

۴. و با سخنان نیکو با مردم سخن بگویید «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا».

۵. نماز را بر پا دارید (و در همه حال، به خدا توجه داشته باشید)؛ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ».

۶. در ادای زکات و حق محرومان، کوتاهی روا مدارید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۲۸).

نکته‌ای که در آیه رعایت شده، این است که در طبقاتی که امر به احسان به آنان شده است، ترتیب رعایت شده است اول طبقه‌ای ذکر شده، که احسان به او از همه طبقات دیگر مهم‌تر است، و بعد طبقه دیگری ذکر شده، که نسبت به طبقات بعدی استحقاق بیشتری برای احسان دارد. اول پدر و مادر ذکر شده که پیداست از هر طبقه دیگری به احسان مستحق‌ترند؛ زیرا پدر و مادر ریشه و اصلی هستند که آدمی به آن دو اتکا دارد، و جوانه وجودش روی آن دو تنه روییده است. پس آن دو از دیگران به آدمی نزدیک‌ترند. بعد از پدر و مادر، سایر خویشاوندان مطرح شده‌اند، و بعد از خویشاوندان، در میان اقربا، یتیم را مقدم داشته؛ زیرا ایتم به‌خاطر خردسالی، و نداشتن کسی که متکفل و سرپرست امورشان شود، استحقاق بیشتری برای احسان دارند (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۹).

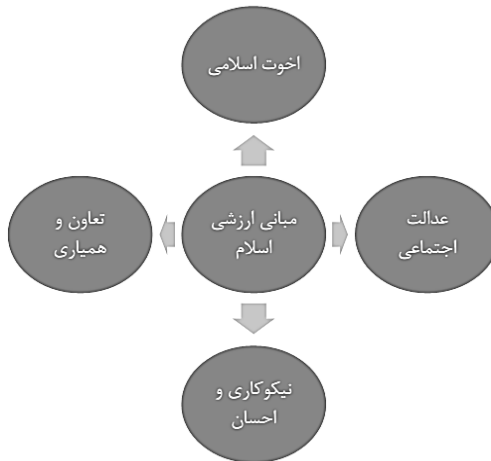
د. تعاون و همیاری: یکی از مبانی «حمایت اجتماعی» در اسلام، مشارکت مردم در این امر است. پیامبر گرامی ﷺ نیز مسلمانان، به‌ویژه ثروتمندان جامعه، را به یاری نیازمندان ترغیب می‌کردند. مشارکت‌های مردمی در کنار خمس و زکات، یکی از منابع مهم هزینه‌های عمومی مانند تأمین نیازهای تهی‌دستان، مخارج جنگ، ساختن اماکن عمومی مانند مسجد، پل، جاده و مراکز تجاری و تولیدی، امور فرهنگی و تبلیغ اسلام و ارتقای سطح آموزش عمومی بوده است. زمانی که این سیاست افزایش عرضه خدمات حمایت اجتماعی را در کنار سیاست کاهش تقاضای خدمات از طریق سیاست خوداتکایی و توانمندسازی افراد در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که اسلام تعادلی را در بازار عرضه و تقاضای خدمات حمایت اجتماعی ایجاد کرده است، به گونه‌ای که نیاز چندانی به دخالت دولت در این زمینه نیست (نادران و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

در آیات متعددی از قرآن کریم، مسلمانان به مشارکت در کارهای خیر، از جمله کمک به نیازمندان و انفاق توصیه شده‌اند: «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (حدید: ۷)؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده است انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی از شما که ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند!

مشارکت مردمی برای تحقق یک الگوی حمایت اجتماعی پایدار اسلامی، امری ضروری است. بنابراین، حمایت اجتماعی فرایندی مردمی است که علاوه بر تلاش‌های دولت و بخش خصوصی، نیازمند بسیج همه شهروندان است. از این‌رو، دولت باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری کند که تلاش‌های مردمی عملاً در حل مشکلات جامعه مشارکت داده شود و هر فرد مسئولیت تعریف شده خود را در آن حس کند. در این زمینه، دولت می‌تواند با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای، از مطبوعات گرفته تا رادیو و تلویزیون و مسجد، از تمام ظرفیت‌ها و امکانات مردمی در جهت تأمین نیازهای افراد جامعه بهره‌بردارد.

یکی از سیاست‌های قرآن کریم برای برقراری یک نظام حمایت اجتماعی فراگیر، مشارکت همگان در آن است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزگاری یاری دهید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

محورهای اصلی مبانی ارزشی اسلام در نمودار ذیل تبیین شده است:



نمودار (۳): عناصر اصلی مبانی ارزشی اسلام مرتبط با رفاه و حمایت اجتماعی

### جمع‌بندی و نتیجه

الگوهای حمایت اجتماعی در هر نظام، بر اساس مبانی آن شکل گرفته، پایه‌گذاری می‌شوند. از این رو، به منظور تبیین الگوی حمایت اجتماعی با رویکرد اسلامی، لازم است در گام نخست، مبانی آن مطالعه و بررسی شود. بر اساس مبنای هستی‌شناسی اسلام، هستی مخلوق خداست و خدا علاوه بر خالق بودن، ربوبیت تشریحی نیز دارد. ربوبیت تشریحی خداوند اقتضا می‌کند که در نظام اجتماعی اسلام، از جمله امور مربوط به رفاه و حمایت اجتماعی، او قانون وضع کند. مبنای انسان‌شناسی اسلام ناظر بر این است که انسان دارای دو ساحت «جسمی» و «روحی» است که هر یک نیازهایی دارد که باید تأمین شود تا انسان به کمال و رشد، که هدف آفرینش است، دست یابد. از این رو، در سیاست‌گذاری رفاه و حمایت اجتماعی، لازم است که هم به رفاه مادی و هم به نیازهای معنوی فرد توجه شود. بر این اساس، تأمین نیازهای مادی هدف نهایی حمایت اجتماعی نیست، بلکه مقدمه‌ای برای دستیابی به رشد و کمال انسان است. اسلام انسان را در برابر نعمت‌هایی که به او عنایت شده، اعم از مال و ثروت و موقعیت‌های اجتماعی، مسئول دانسته و یکی از مسئولیت‌های وی را حمایت از نیازمندان به اندازه‌ی وسیع، دانسته



است. در نظام‌های رفاهی مبتنی بر ارزش‌های لیبرالی، فردگرایی و توجه به منافع شخصی ارزش تلقی شده، به آن توصیه می‌شود. در این نظام ارزشی، افراد مسئول تأمین نیازها و منافع خویش هستند و مسئولیتی در قبال سایر افراد جامعه ندارند. ولی در نظام ارزشی اسلام، انسان علاوه بر مسئولیت در برابر خود، نسبت به سایر افراد جامعه نیز مسئول است. در نظام ارزشی اسلام، روابط میان اعضای جامعه و همبستگی میان آنان بر اساس ایمان به خدا و روز قیامت شکل می‌گیرد که از آن به «برادری ایمانی» یاد می‌شود. اسلام با طرح موضوع «برادری» میان مسلمانان، حقوق و تکالیفی را برای هر یک از آنان وضع نموده است. یکی از تکالیف این است که مسلمانان هنگام نیاز سایر برادران خویش، به کمک آنان بشتابند و آنها را حمایت کنند.

## منابع

- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، *نهج البلاغه (للسیاحی صالح)*، مصحح، صالح، صبحی، قم، هجرت.
- آراسته خو، محمد، ۱۳۷۴، *تأمین و رفاه اجتماعی*، تهران، پیام نور.
- آرمان مهر، محمدرضا، ۱۳۹۳، «مبانی نظری عدالت اقتصادی در اندیشهٔ محمدرضا حکیمی»، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ص ۱۸۷-۱۹۳.
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، «بررسی بنیاد تمدن اسلامی، و ارزش‌های آن برای پیشرفت امروز ملل مسلمان، علوم اسلامی انسانی»، ص ۱۹۵-۲۰۱.
- فتحعلی، محمود و همکاران، ۱۳۸۳، *مبانی اندیشه اسلامی ۴ درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح‌الحیاه*، قم، اسراء.
- چشمی، علی، میثم پيله فروش، ۱۳۹۳، «تبیین الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علوم انسانی اسلامی»، ص ۲۸۹-۲۹۶.
- حسن بادینی و عصمتی، زینب، ۱۳۹۱، «زمینه‌های تحقق اصول حاکم بر حقوق تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۴۴، ص ۲۴-۳۰ (۱۹۹-۲۳۰).
- حسینی، رضا، ۱۳۸۸، «تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۱۱، ص ۶۱-۸۲.
- حکیمی محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۸، *الحیاه*، ترجمهٔ احمد آرام، تهران، فرهنگ اسلامی.
- حسینی، رضا، ۱۳۸۸، «تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۱۱، ص ۶۳.
- عصمتی، زینب، ۱۳۹۲، *آشنایی با مفاهیم حقوق عموم بررسی مفهوم تأمین اجتماعی*، ناظر علمی، علی بهادری چهرمی، دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی، شورای نگهبان، ص ۱۳.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۷۷، *نظام اخلاقی اسلام*، تفسیر سورهٔ مبارکه حجرات، قم، بوستان کتاب.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۳۹۰، *کشف‌الریبه*، بی جا، دارالمرتضوی للنشر.
- یزدانی، فرشید، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، ش ۱۰، ص ۴۰-۴۹.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عبود الحکم و المواعظ للیثی*، مصحح، حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار* (ط- بیروت)، مصحح، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی، میرطاهر و محمدعلی محمدی، ۱۳۸۸، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، تهران، دانژه.
- مؤسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه، ۱۳۹۴، تأمین اجتماعی برای همه ویژه آشنایی آموزگاران مقاطع مختلف تحصیلی با مفاهیم بیمه‌ای، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، ص ۲۰-۲۲.
- میرمعزی، حسین، ۱۳۹۳، *مفهوم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، علوم انسانی اسلامی*، ش ۱۰، ص ۹۹-۱۲۰.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، «نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، سازمان، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نادران، الیاس و همکاران، ۱۳۹۱، «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین»، *معرفت اقتصادی*، سال سوم، ش ۳، ص ۵-۲۸.
- مصباح یزدی، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، قم، مدرسه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، *نظریه حقوقی اسلام*، تحقیق محمدهدی نادری قمی؛ محمدهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- موسوی همدانی و سید محمدباقر، ۱۳۷۴، *ترجمه المیزان*، قم، جامعه مدرسین.